

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۲، پیاپی ۱۴۲، زمستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۰۷-۸۱

موانع و برنامه‌های حکومت پهلوی اول برای اجرای نظام اجباری در ایالت فارس (۱۳۰۵-۱۳۰۸ ش)^۱

محمدعلی رنجبر^۲، بهمن شهریاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲

چکیده

ایالت فارس در اوایل اجرای قانون نظام اجباری، با برخی نواقص و عدم هماهنگی میان بخش‌های کشوری و لشکری مواجه بود؛ مانند فقدان مشخصات مشمولان و عدم وحدت رویه میان دستگاه‌های اجرایی. از سوی دیگر، رضاشاه به منظور تمرکزگرایی و تشکیل ارتش نوین، بر اجرای این قانون تأکید داشت. بنابراین فرایند اجرای نظام اجباری با ابعادی از تناقض مواجه بود. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع اسنادی-کتابخانه‌ای تدوین یافته است. سؤال اصلی مقاله این است که رضاشاه برای اجرای نظام اجباری در ایالت با چه چالش‌هایی مواجه بود؟ چه راهکارهایی برای رفع آنها اندیشیده شد و نتیجه آن راهکارها چه بود؟ نتایج بررسی نشان می‌دهد که با وجود ناهماهنگی میان دوایر مختلف ایالت و نواقص تشکیلاتی در اجرای نظام اجباری، نشانی از ناامیدی در ارکان حکومتی دیده نشد. رضاشاه برای پایان بخشیدن به لجام‌گسیختگی سیاسی، جلوگیری از تکثر قدرت، مقابله با مرکزگریزی متنفذان و برخورد با شرارت و ناامنی، از تمام ظرفیت‌های نظامی و اداری بهره گرفت؛ که قانون نظام اجباری یکی از آن ظرفیت‌ها بود. سماجت و پیگیری مسئولان به کاهش تدریجی نواقص و موانع در فارس منجر شد. در امتداد این حرکت، تشکیلاتی چون سجل احوال ایالتی هم نضج پیدا کرد. فقط از حیث اجتماعی برخی مردم به دلیل عدم پذیرش نظام اجباری، برای دوایر حکومتی اسباب دغدغه بودند.

واژه‌های کلیدی: نظام اجباری (وظیفه)، رضاشاه، ایالت فارس، ارتش نوین، سجل احوال

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2021.36165.2476

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) ranjbar@shiraz.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران bahman.history@yahoo.com

مقدمه

پیش از قدرت‌یابی رضاخان، ارتش به دلیل ضعف تشکیلاتی و فرسودگی، توان استقرار نظم و امنیت در داخل را نداشت. یکی از دلایل اساسی تمرّد خوانین و ملاکین در مقابل حکومت مرکزی و راهزنی اشرار، نداشتن ارتش منظم و قدرتمند بود. عباس میرزا، امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار تلاش‌هایی برای تغییر ساختار ارتش ایران کردند، اما هیچ‌یک به نتیجه مطلوب نرسیدند و رؤیای ارتش نوین و قوی برای مردم و متفکران دست‌نیافتنی باقی ماند. با ظهور رضاخان اقدامات ضروری برای تحقق این آرمان به تدریج انجام شد. از اوایل سلطنت او، این هدف با جدیت بیشتری دنبال شد. یکی از ضرورت‌های ارتش نوین، موضوع سربازگیری (نظام اجباری) بود. سیستم سربازگیری عصر قاجار براساس روش بنیچه بود و همین روش یکی از دلایل اساسی فرسودگی ساختار ارتش ایران بود. در ایالات مشکلات زیربنایی چون عدم آموزش عمومی، فقدان تشکیلات سجل احوال، تنگناهای مالی، اعمال نفوذ متنفذان، عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و غیره وجود داشت. تشریح و تحلیل برنامه‌های نظام اجباری در اوایل دوره رضاشاه، در بیشتر منابع دوره پهلوی به صورت جامع و مانع بیان نشده است. این خلأ پژوهشی برای ایالات کشور بیشتر به چشم می‌آید. دلیل انتخاب ایالت فارس برای نوشتار حاضر این است که فارس به جهت سیاسی و اجتماعی واجد اهمیت بود؛ همچنین تنوع قومیتی داشت و جمعیت آن از منظر قانون نظام اجباری برای حکومت جذابیت داشت. از طرفی، یکی از پنج منطقه در تقسیم ارتش رضاشاه بود و مرکز لشکر جنوب از اصفهان به شیراز تغییر یافت. اسنادی که در این باره وجود دارند، می‌توانند بیانگر چارچوب قابل قبولی برای تحلیل آن رویداد باشند. در این پژوهش از اسناد وزارت جنگ، فرماندهی لشکر جنوب در فارس، اداره ایالتی، وزارت داخله، اداره عدلیه و اداره سجل احوال استفاده شده است. همچنین تعدادی سند از عرایض مجلس مورد استفاده قرار گرفت. اطلاعات و گزارش‌های این اسناد می‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات ذیل باشد:

- دستگاه‌های مختلف دولتی برای احضار مشمولان نظام اجباری، در آغاز امر با چه مشکلاتی مواجه بودند؟

- عامل دواير حکومتی برای مقابله با مشکلات سربازگیری در ایالت چگونه بود؟

- واکنش مردم ایالت نسبت به نظام اجباری چه بود؟

روش تحقیق این نوشتار کتابخانه‌ای و اسنادی است. داده‌ها و اطلاعات عمدتاً از اسناد تهیه شده‌اند. از برخی کتب معتبر نیز مطالب مهمی اخذ شده است. فرضیه پژوهش حاضر این است که پهلوی اول به منظور تمرکزگرایی و اشاعه قدرت خویش، به تشکیل ارتش جدید نیاز مبرم

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۸۳

داشت؛ به همین دلیل قانون سربازگیری را با وجود تمام ضعف‌های اداری و تشکیلاتی، به منصفه ظهور رساند.

درباره پیشینه تحقیق باید گفت تاکنون تحقیق مستقلی درباره سربازگیری در فارس با تکیه بر اسناد صورت نگرفته است. تازگی و تفاوت مطلب مقاله در قیاس با تألیفات ذیل آن است که پدیده نوظهور سربازگیری را بر پایه اسناد دست اول تحلیل کرده است. درباره مسائل نظامی دوره پهلوی اول، تألیفات متعددی به زیور طبع آراسته شد، اما هیچ‌یک بحث سربازگیری در فارس را بر پایه اسناد مورد واکاوی قرار نداده‌اند. جهانگیر قائم مقامی در کتاب *تاریخ ژاندارمری ایران (۲۵۳۵)* و کتاب *تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران (۱۳۲۶)* به بحث تاریخ ژاندارمری در امنیت مناطق بین شهری و سیر امور نظامی در دولت‌های متفاوت پرداخته است. یحیی ذکاء در کتاب *تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران از کورش تا پهلوی (۱۳۵۰)* و یکرنگیان در *سیری در تاریخ ارتش ایران (۱۳۸۴)* به سرگذشت ارتش‌های ایران در دوره‌های مختلف تاریخ پرداخته‌اند. استفانی کرونین در کتاب *ارتش و حکومت پهلوی (۱۳۷۷)* علاوه بر ارائه تشکیلات و تقسیمات جدید ارتش در حکومت پهلوی، بحث مختصری نیز درباره نظام اجباری در کل کشور داشته است. همچنین مرتضی نورایی مقاله‌ای با عنوان «مقایسه و تحلیل روایت اسناد بریتانیا از واقعه قم به رهبری حاج آقا نورالله اصفهانی ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م» (۱۳۸۶) نگاشته و در آن به بررسی گزارش‌های کنسولگری بریتانیا در تهران درباره مخالفت حاج آقا نورالله با قانون سربازگیری پرداخته است. برخی مجلات مانند «قشون» که ماهیت نظامی داشتند، مسائل نظامی را تشریح می‌کردند. گفتنی است در هیچ‌یک از این آثار به صورت مشخص به تجزیه و تحلیل سربازگیری در ایالت فارس پرداخته نشده است.

۱. سازمان ارتش نوین رضاشاه

رضاشاه برای استقرار ارتش نوین و مجهز، کار آسانی پیش رو نداشت. پیشتر ارتش ایران آموزش‌های متفاوت روسی، انگلیسی، سوئدی و غیره دیده بود. همچنین خالی بودن خزانه بر مشکلات می‌افزود (ذکاء، ۱۳۵۰: ۲۵۸). پیش از برآمدن رضاخان، تنها اقدام جدی دولت مرکزی برای ایجاد قشون متحدالشکل، در کابینه مستوفی‌الممالک در سال ۱۲۹۶ انجام شد که مذاکرات بی‌سرانجامی با دولت انگلستان بود (قائم‌مقامی، ۱۳۲۶: ۱۲۶). بنابراین پس از کودتای سوم اسفند، وی بار سنگینی برای این امر مهم بر دوش داشت.

فرایند تشکیل ارتش نوین توسط رضاخان، بلافاصله پس از وقوع کودتا آغاز شد. ژاندارمری به او پیوست. در ۱۴ دی به موجب ماده ۱۳ دستور ۳۰۴، ژاندارمری به قزاقخانه

ملحق شد و افسران سوئدی از خدمت معاف شدند (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۴۴). در همان ماه با صدور فرمان عمومی شماره یک ارتش، دستگاه‌ها و نام‌های ژاندارمری و قزاق از تاریخ نظامی ایران محو شدند و برای سپاه ایران تنها نام قشون برگزیده شد (ذکاء، ۱۳۵۰: ۲۵۸)؛ تشکیلات و تقسیمات جدیدی وارد ارتش ایران شد.

رضاخان برای تأسیس ارتش جدید، به موجب حکم ۱۴ دی ۱۳۰۰، ارتش را در پنج منطقه یعنی تهران، تبریز، همدان، مشهد و اصفهان تقسیم و سپس لشکر جنوب را از اصفهان به شیراز منتقل کرد (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۵۸). در سال ۱۳۰۱ به منظور تقویت ارتش نوین، برنامه‌های جدید در دستور کار قرار گرفت. ارکان حرب قشون پایه‌ریزی شد. سرتیپ جهانیانی به ریاست ارکان و حبیب‌الله شیبانی به معاونت آن برگزیده شدند (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۰۲). ارتش ساماندهی شد و توسعه یافت.

ارکان حرب (ستاد ارتش) متشکل از پنج دایره بود. هر دایره شامل چند شعبه با وظایف و تقسیمات خود بودند. دایره تنظیمات، عملیات، نقلیه و مباشرت (صفایی، ۲۵۳۵: ۱۰). در زمینه سازماندهی رسته‌های نظامی و آموزش نظامیان اقدامات زیادی انجام شد (برای اطلاع بیشتر ن.ک. به: مجله قشون، ۱۳۰۳: شماره ۴؛ همان، ۱۳۰۶: سال ششم، شماره ۶).

رضاشاه برای کارآمد شدن ارتش جدید، تجهیزاتی به بخش‌های زمینی، هوایی و دریایی افزود. در اوایل حکومت وی، در بخش هوایی دو طیاره مشقی «potez» نمره ۸، دو طیاره مشقی اکتشافی «spade» نمره ۴۲ و دو طیاره بمب‌انداز روز «brdguet» از فرانسه خریداری شد (مجله قشون، ۱۵ ثور ۱۳۰۳: شماره ۴، ص ۱۷۸). کارخانه «شهباز» در دوشان‌تپه راه‌اندازی شد (صفایی، ۲۵۳۵: ۲۲-۲۵). بودجه ارتش افزایش یافت. برخی محققان افزایش بودجه نظامی را در راستای شبه‌مدرنیسم پهلوی و برای بسط استبداد تحلیل می‌کنند (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۵۸). در بخش دریایی نیز اقدامات مهمی انجام شد. برای مثال، در سال ۱۳۰۸ دستور خرید چند فروند کشتی از ایتالیا صادر شد (روزنامه اطلاعات، ۱۱ خرداد ۱۳۰۸: شماره ۷۷۸، ص ۳). دولت برای تأسیس مدرسه نیروی دریایی زیر نظر «دلبراتو»^۱ ایتالیایی، اعتباری در بودجه ۱۳۰۹ تخصیص داد (روزنامه اطلاعات، ۶ آبان ۱۳۰۸: شماره ۸۹۶، ص ۲). رضاشاه در راستای این ارتش جدید، بر اجرای قانون نظام اجباری پافشاری می‌کرد.

۲. قانون نظام اجباری (وظیفه)

ارتش رضاشاه به لحاظ سازمانی و هویتی با ارتش قاجارها متفاوت بود. پیش از ظهور

رضاشاه، سربازگیری براساس روش بنیچه بود. بنیچه ریشه مالیه داشت؛ بدین مفهوم که مأخذ سربازگیری از دهات براساس مالیاتی بود که روستاییان برای زمین و آب و محصول خود می دادند (مجله قشون، بهمن ۱۳۰۴: شماره ۱۵، ص ۷۰۲). بنیچه ثمربخش نبود؛ حتی در عصر مشروطه ملاکان حاضر به دادن سرباز نبودند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۶۵۳/۳). بنابراین پیش از رضاشاه سربازگیری با بی نظمی و نابسامانی همراه بود.

رضاخان در زمان نخست وزیری، ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ قانون نظام وظیفه را به تصویب مجلس رساند (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۷۰). با دقت در این قانون روشن می شود که سیستم بنیچه و مقررات پیشین برای ارتش ایران ناکارآمد و بی نتیجه بود. قانون نظام اجباری ۳۶ ماده داشت. برخی از مهم ترین مواد آن عبارت بود از:

- ماده اول: از تاریخ تصویب این قانون کلیه اتباع ذکور ایران اعم از سکنه شهرها، قصبات، قراء، ایلات و افراد ساکن در خارج از ایران از اول ۲۱ سالگی مکلف به خدمت نظام سربازی می باشند؛ مگر در مواردی که طبق این قانون مستثنی شده باشند.

- ماده دوم: تقسیم دوره خدمت سربازی به سه مرحله که دو سال آن تحت السلاح بود.

- ماده هشتم: تقسیم بندی مشمولان برای احضار به سه طبقه مجرد، متأهل بدون فرزند و متأهل دارای فرزند (برای اطلاع از مفاد کامل قانون ن.ک. به: روزنامه استخر، ۱۱ حمل ۱۳۰۵: شماره ۲، ص ۴).

از ابتدای اجرای این قانون اظهار نظرهای مخالف و موافق آن آغاز شد.

نسبت به این قانون از سوی حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی در قم اعتراضاتی شد. وی تصویب کنندگان قانون را مورد سرزنش قرار داد (ساکما [اصفهان]، ۲-۸۷۳۶-۰۰-۲۱۰)؛ در مشهد و شیراز با وی همراهی شد. در مقابل، موافقان قانون از آن به «جهاد اکبر» یاد کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۹ مهر ۱۳۰۶: شماره ۳۳۰، ص ۱). روزنامه استخر با تیتراژ «اعتصاب» آورده بود در اعتراض به نظام اجباری، دستهای مخفی و تحریک عدهای خائن نقش دارد (روزنامه استخر، ۲۶ مهر ۱۳۰۶، شماره ۲۷، ص ۱). نخست وزیر با سید نورالدین و دیگر معترضان شیراز وارد مذاکره شد و آنان را به آرامش فرا خواند (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۷۷). رضاشاه وقتی این قانون را به تصویب مجلس رساند، حمایت اصلاح طلبان را داشت؛ چون خواهان ارتش ملی و نیرومند بودند. همچنین در مجالس چهارم و پنجم حزب «تجدد» و «سوسیالیستها» با این قانون موافق بودند (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۲۱). رضاشاه برای اطمینان از اجرای این قانون، رضایت دو تن از آیات عظام آیت الله نائینی و آیت الله ابوالحسن اصفهانی را به دست آورده بود (غنی، ۱۳۷۷: ۳۸۰). در نتیجه، اعتراضات نمی توانست سد راه او باشد.

رضاشاه در جواب نگرانی علما گفت یکی از اهداف این قانون «حفظ عظمت و شوکت اسلام» است. «امیدوارم علمای اعلام نیز این نیت و عقیده را که البته مقرون به خیر و صلاح مملکت و حفظ دیانت است همه وقت حسن استقبال نموده» (روزنامه اطلاعات، ۲۶ آذر ۱۳۰۶: شماره ۳۸۳، ص ۳). وزارت داخله در اعلانی رسمی گفت دولت بدون توجه به اعتراض علما، آن قانون را بدون «هیچگونه تغییر و تأخیری» اجرا خواهد کرد (ساکما [اصفهان]، ۷-۰۸۵۱۴-۰۲۹۰). در ایالت مهمی چون فارس روند اجرای این قانون حاوی نکات تاریخی قابل تأمل می باشد.

۳. تمهیدات دواير كشوري و لشكري فارس براي اجراي قانون نظام اجباري (۱۳۰۵-۱۳۰۸ش)

۳-۱. ناهماهنگی دواير ايالت در پاييز و زمستان ۱۳۰۵

اسنادی که در ادامه تحلیل آنها ارائه می شود، انعکاس دهنده مشکلات و نواقص تشکیلات نظام اجباری، نحوه تعامل دواير با یکدیگر، اتخاذ تدابیر از سوی حکومت برای رفع نواقص، واکنش مردم نسبت به این پدیده جدید و غیره است. وزارت جنگ در مهر ۱۳۰۵ دستور پیگیری و اجرای این قانون را به ایالت فارس صادر کرد. با توجه به مطالب اسناد، در روزهای نخست نوعی ناهماهنگی میان دواير مختلف وجود داشت. «آیرم» امیر لشکر جنوب، به نمایندگی از وزارت جنگ در ۷ مهر نامه‌ای برای اداره ایالتی نوشت و در آن خاطر نشان کرد که با توجه به دستور رضاشاه، طی چند روز آینده مأموران نظام اجباری به سوی فارس اعزام می شوند (ساکما، ۴-۰۴۶۰۵۵-۰۲۹۳). سند نشان می دهد که چون اداره سجل تأسیس نشده بود، اطلاعات مشمولان در اختیار مقامات نبود؛ به همین دلیل از اداره ایالتی فارس خواسته شد مجلسی از ملاکان تشکیل شود تا صورت نفوس قریه‌ها و دهات را که در اختیار دارند، تسلیم والی وقت «مهدی اسفندیاری» کنند. از آن صورت نسخه برداری کنند و یک نسخه را به لشکر جنوب تحویل دهند تا فهرست مشمولان استخراج شود. سپس از روی بی طرفی و طبق قانون، نفرات مشمول مشخص شوند. در ادامه یادآور شد مقصود این است که «بلادرنگ این امر به موقع اجرا برسد» (ساکما، همان). پیرو این دستور، اداره ایالتی از اداره مالیه فارس و بنادر جنوب خواست در این زمینه همکاری کنند، اما اداره مالیه طی نامه ۲۰ مهر ۱۳۰۵ اعلام کرد چنین خواسته‌ای بدون اجازه «صریح» وزارت مالیه مقدور نیست و اقدام در این زمینه را منوط به هماهنگی با وزارت مالیه دانست (ساکما، ۷-۰۴۶۰۵۵-۰۲۹۳). در تحلیل این اسناد باید گفت با وجود تعامل ضعیف، دواير حکومت مرکزی اصرار بر اجرای قانون داشت. بر همین اساس،

وزارت داخله طی نامه‌ای برای اداره مالیه، تأکید کرد به علت فقدان صورت اسامی املاک و ملاکان فارس در اداره ایالتی، باید همکاری لازم با این اداره و لشکر جنوب انجام شود و از اداره مالیه خواست اسامی مالکان و صورت املاک و همچنین میزان مالیات فعلی آنها را قید و به همراه تعداد نفوس املاک چه تحقیقاً و چه تخمیناً به صورت ضمیمه ارسال کند (ساکما، ۵-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). این سند گویای بهره‌گیری از ظرفیت تمام ادارات برای رفع خلأ سجل احوال در ایالت می‌باشد. با این حال، ایالت فارس به دلیل ساختار ایالتی و تنوع گروه‌های شهری، مشکلاتی چون اختلاف ایلیاتی و عدم تجانس جامعه شهری را در خود داشت (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۲). با وجود برقراری حکومت مشروطه، عشایر اعتنای چندانی به حکومت مرکزی نداشتند و حتی مشروطه را عاملی در تضعیف آن برمی‌شمردند (کاتم، ۱۳۷۱: ۵۵). درباره شعبات و تعداد تیره‌های ایلات فارس باید گفت ایل قشقایی دارای شعباتی چون کشکولی، دره‌شوری، شش‌بلوکی، خلج، فارسیمدان، صفی‌خانی، رحیمی، گله‌زن، ایگدر و بیات بود. ایلات خمسه پنج شعبه به نام‌های اینانلو، بهارلو، عرب، باصری و نفر داشتند؛ ضمن اینکه هر شعبه نیز تیره‌ها و متفرعاتی داشت. برای مثال اینانلو از بول وردی، اسلاملو، افشار، امیرحاجی، چهارده چریک و غیره تشکیل می‌شد (مجله قشون، بهمن ۱۳۰۶: شماره ۱۹، صص ۷۲۹-۷۳۰). ایل نامتجانس خمسه از مدت‌ها پیش به سرکردگی «قوم‌الملک» اعیان‌زاده شهری، برای کاهش قدرت قشقایی‌ها اقدام می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۴۲).

طبق اسناد آبان ۱۳۰۵، نهادهای نظام اجباری و ایالتی به صورت مؤکد از مالیه خواهان ارسال فهرست قرآء و تعداد نفوس بودند (ساکما، ۸-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳ و ۹-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). می‌توان استنباط کرد به دلایلی چون احتمال ارتباط دوستانه میان اداره مالیه با برخی ملاکان و منتفذان و ترس از افزایش مالیات و همچنین با فرض خطر بروز بی‌نظمی در املاک و دهات، به تحریک طبقه ملاکان، اداره مالیه با لشکر جنوب همکاری نکرد.

در دی ۱۳۰۵ سرهنگ اخگر از سوی وزارت جنگ برای ریاست اداره نظام اجباری جنوب منصوب و وارد شیراز شد (روزنامه استخر، ۲۱ دی ۱۳۰۵: شماره ۳۶، ص ۳). مسئولان نظام اجباری برای مقابله با نارسایی‌ها بر پشتکار خود افزودند. در ۱۲ بهمن آن سال رئیس ناحیه ۴ نظام اجباری به اداره ایالتی اعلام کرد برای حکام و نواب تابعه ایالت فارس یک نسخه از اوراق اعلان مربوط به أخذ نفرات داوطلب در نظام اجباری را ارسال کند (ساکما، ۹۴-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). تاریخ سند بعدی نشان می‌دهد که اجرای دستورات بدون فوت وقت انجام شد. در ۱۷ بهمن (پنج روز پس از دستور اداره نظام اجباری) از سوی اداره ایالتی برای وزارت داخله طی نامه‌ای گزارش شد که مناطق مختلف ایالت از جمله آباءه، کازرون، جهرم و نیریز،

اصطهبانات، بهبهان، کربال، ارسنجان، خفر و سیمکان نسبت به اخذ نفقات داوطلب اقدامات لازم را معمول داشتند (ساکما، ۹۳-۴۶۰۵۵-۲۹۳). وزارت جنگ برای دستیابی به مشخصات مشمولان، در ۳۰ بهمن به اداره ایالتی فارس اعلام کرد اوراق لازمه و تمبر و مهر اداری سبجل احوال فارس صادر شده است و «با تأکیدات متوالیه از مرکز لازم است هرچه زودتر شعبات سبجل احوال در بلدیة و نظمیة تأسیس شود» (ساکما، ۹۷-۴۶۰۵۵-۲۹۳). در تحلیل این سند باید گفت تأسیس اداره سبجل ابتدا به منظور امور سربازگیری مدنظر قرار گرفت. مسئولان نظام اجباری برای مقابله با نارسایی‌ها بر پشتکار خود افزودند.

۳-۲. تلاش دوایر برای رفع کاستی‌های نظام اجباری

اسناد ثابت می‌کنند که با وجود فقدان اطلاعات مشمولان، اداره نظام اجباری آگاهی‌بخشی عمومی را از نظر دور نداشت. در اواخر این سال، مواد مستخرجه نظام اجباری در شصت ورقه نگارش یافت و به حکومت مناطقی چون آباءه، اصطهبانات، جهرم و غیره ارسال شد تا به اطلاع عموم برسد (ساکما، ۷۰-۴۶۰۵۵-۲۹۳). نظام‌نامه مشتمل بر ۴۲ مورد بود و نحوه سربازگیری را اطلاع‌رسانی می‌کرد؛ از جمله تهیه دفاتر ولادتی و فوتیات و اینکه افراد فاقد ورقه هویت «فوراً» نسبت به اخذ این اوراق اقدام کنند؛ تمام دفاتر باید در سه نسخه مرتب شوند؛ یک نسخه برای رؤسای سربازگیری، نسخه دیگر برای وزارت داخله و نسخه سوم نیز برای اداره حکومتی هر منطقه. این فرایند می‌بایست تا ۱۵ فروردین انجام می‌شد. صورت اسامی مشمولان برای اطلاع عموم روی در اداره حکومتی و معابر عمومی نصب و توسط کدخدایان اوراق احضاریه روستاییان تحویل داده می‌شد (ساکما، ۷-۴۶۰۵۵-۲۹۳). البته این اقدامات به معنای عدم نقصان نبود؛ زیرا در ۲۴ فروردین ۱۳۰۶ رئیس بلدیة شیراز به والی اعلام کرد مباشرت قانون سبجل احوال در هر شهر با اداره بلدیة است، اما از زمان اجرای این قانون این مورد مَجری نشده است. سپس ماده ۲۸ قانون سبجل احوال را بیان و خاطر نشان کرد که مباشرت آن قانون در شهرها با بلدیة، در قصبات با نایب‌الحکومه و در دهات با کدخدا است (ساکما [فارس]، ۳۲-۴۳-۳۰۳۰-۲۹۳-۹۹). این سند گویای ناهماهنگی میان بخش‌های مختلف کشوری و لشکری است. با وجود آنکه این پدیده برای مردم عادی تازگی داشت و مأموران دولتی نیز در این موارد وحدت رویه نداشتند، اما در اراده دولت برای عملی شدن این قانون سستی ایجاد نشد. با توجه به سند بعدی، اجرای قانون میان ایلات هم با همان حساسیت شهرها و روستاها در دستور کار قرار گرفت؛ زیرا در تیر ۱۳۰۶ امیر لشکر جنوب به اداره ایالتی اعلام کرد اوراق سبجل احوال ایل خمسه که برای «ناصرخان سالار» رئیس ایل و دیگری برای

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۸۹

ایل قشقایی است، تهیه شود و برای ارکان فرستاده شود (ساکما [فارس]، ۹-۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹). در همان ایام، تشکیلات سجل احوال فارس اعلام کرد اوراق رسمی مورد نیاز ارکان حرب لشکر جنوب مربوط به ایل قشقایی را آماده کرده است (ساکما [فارس]، ۳-۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹). اداره سجل احوال در این زمینه اعلام کرد رؤسای ایل قشقایی، عرب و خمسه خود یا نماینده آنها در اداره سجل حاضر شوند تا امور ایل خود را انجام دهند (ساکما [فارس]، ۷-۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹). در تحلیل این اسناد می توان دریافت عزم دولت برای توسعه سربازگیری چه در شهرها و چه در مناطق عشایری کاملاً جدی بود، اما این عزم به معنای رفع کامل موانع نبود.

ناصرخان سالار رئیس ایل خمسه، در جواب اظهار داشت مطابق ماده ۵ آیین نامه سجل احوال مملکتی، انجام این مأموریت با وی است. اما در این اوقات (تابستان ۱۳۰۶) ایلات و طوایف در حال بیلاق اند و چون متفرق می باشند، انجام احصائیه آنها سخت است. علاوه بر آن، چون ایلات از این موارد و قوانین اطلاع ندارند، انجام این کار «اسباب وحشت» می شود؛ مگر آنکه رؤسای طوایف را در شیراز جمع کنیم و آنها را با قوانین آشنا سازیم. در نتیجه، یک سال برای جمع آوری احصائیه کم است (ساکما [فارس]، ۱۲-۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹). این سند از ناصرخان نشان می دهد که لحن سخن وی توأم با گردن کشی نیست؛ بلکه با نوعی نرمش همراه است؛ زیرا او متوجه مقاصد اساسی این قانون شده بود. از سوی دیگر، ساختار اجتماعی ایلی با اجرای قانون هنوز منطبق نبود و نیازمند اطلاع رسانی بیشتر و گذر زمان بود. علاوه بر اداره ایالتی، اداره نظام اجباری بر تشکیلات سجل فارس هم اشراف داشت. برای روشن شدن این ادعا، سندی که مربوط به ۹ شهریور ۱۳۰۶ است، آورده شده است. این سند که مربوط به نظام اجباری است، خطاب به اداره ایالتی متذکر شد که چون اداره سجل احوال ایالتی «کاملاً» مربوط به نظام اجباری است، لازم است «همیشه» از جریانات آن اداره، ناحیه نظام اجباری را مطلع سازید تا در پیشرفت سجل احوال مساعدت لازم بشود (ساکما، ۶۶-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳).

تهیه فهرست مشمولان در فارس و احضار آنان، با وجود کاستی ها در حال انجام بود. اداره نظام اجباری در ۱۷ مهر از اداره ایالتی خواست صورتی از مشمولان متولد ۱۲۸۵-۱۲۸۶ را طبق مواد نظام نامه به ترتیب حروف «تهجی» آماده و با فوریت ارسال کند (ساکما، ۶۷-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). با دقت در فهرست تعدادی از مشمولان سال ۱۳۰۶ که در ادامه آمده، مشخص می شود مشمولان از هر صنف و طبقه ای بوده اند؛ مانند معلم، مستخدم مالیه، پيله ور، تاجر، ملاک و غیره که به معنی یکسان بودن قانون برای همه طبقات اجتماعی ایالت بود:

۹۰ / موانع و برنامه‌های حکومت پهلوی اول برای اجرای نظام اجباری در ... / محمدعلی رنجبر و ...

تاریخ سال شمسی	محل سکنا	نام پدر	شغل	نام و نام خانوادگی	تاریخ صدور ورقه هویت		نمره ورقه هویت
					روز	ماه	
					اسفند ۱۳۰۵		
				حسین قاجاریه	اسفند ۱۳۰۵		
			نظامت	جمال پژمان	اسفند ۱۳۰۵		
۱۲۸۶	میدانشاه	محمد هاشم	مدرسه	علی اصغر	فروردین ۱۳۰۶	۱۵	۱۵۶
۱۲۸۶	گودعربان	محمد صادق	معلم	عابدی	۱۳۰۶	۲۳	۵۴۹
۱۲۸۶	سرباغ	علی محمد	مستخدم	غلامحسین	اردیبهشت ۱۳۰۶	۲۷	۷۸۸
۱۲۸۵	درب	نادعلی	مالیه	راسخ	۱۳۰۶	۱۰	۱۳۷۷
۱۲۸۶	شاهزاده	شمعون	مستخدم	اسحق یراق	اردیبهشت ۱۳۰۶	۷	۴۶۵۳
۱۲۸۵	کلیمی‌ها	شمعون	نظمیه	داود	۱۳۰۶	۳۱	۷۳۷۹
۱۲۸۶	کلیمی‌ها	شیخ احمد	پبله‌ور	عزت‌زاده	خرداد ۱۳۰۶	۴	۷۶۸۰
۱۲۸۶	سردزک	کرامت‌الله	پبله‌ور	محمدعلی	۱۳۰۶	۱۳	۸۲۹۷
۱۲۸۵	میدانشاه	محمدجعفر	محصل	شریعت	خرداد ۱۳۰۶	۲۱	۸۷۵۸
	میدانشاه		ملاک	عطالله	۱۳۰۶		
			تجارت	مشیری	خرداد ۱۳۰۶		
				علی اکبر	۱۳۰۶		
				رافت	خرداد ۱۳۰۶		

(ساکما [فارس]، ۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱)

اداره ایالتی در ۲ مهر ۱۳۰۶ به ارکان حرب لشکر جنوب اعلام کرد مواد نظام‌نامه اجباری برای ایل قشقایی ارسال شده است؛ بنابراین لازم است صورت جامعی از نقاطی که جزو حوزه وی است، تهیه کنید و در اختیار اداره ایالتی قرار دهید تا امور نظام اجباری انجام شود (ساکما، ۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰). اداره نظام اجباری در راستای اوامر مرکز، از اداره ایالتی خواست صورتی از تشکیلات حکومت‌نشین ولایات و بلوکات فارس و بنادر و ابواب جمعی قوام‌الملک را با قید «فوریت» آماده و ارسال کند (ساکما، ۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰). در تحلیل این سند باید گفت با وجود گذشت یک سال از اجرای قانون، آمار دقیق از افراد مشمول در شهرها، روستاها و ایلات وجود نداشت، اما اداره نظام اجباری سرعت عمل را برای رفع نواقص ارجح دانسته بود.

۳-۳. تمهیدات اولیه اداره نظام اجباری برای سجل احوال

اداره نظام اجباری ناحیه جنوب به دنبال توسعه دواير سجل بود. دفتر سجل احوال شیراز و حومه که از ۱۱ اسفند ۱۳۰۵ تأسیس شده بود، تا آخر آن سال ۲۵۹۱۵ ورقه صادر کرد. احصائیه بلوک شیراز از آبان ۱۳۰۶ آغاز شد. در بلوکات بیضا، رامجرد، زرقان و حومه، قره‌باغ، مرودشت و نصف کربال حدود ۵۷ هزار ورقه هویت صادر شد. در مجموع، کل اوراق صادره در شیراز و بلوکات آن بالغ بر ۱۰۱۱۵۱ مورد بود (ساکما، ۳۹-۹۴۶۰۵۵-۲۹۳). سند ذکر شده این نکته را روشن می‌کند که اداره نظام اجباری و سجل احوال تا حدی نواقص را پوشش دادند. در دی ۱۳۰۶ از سوی سرهنگ اخگر فرمانده نظام اجباری ناحیه جنوب، نایب بدرالدین رشیدی به کفالت نظام اجباری فارس منصوب شد (ساکما، سند ش ۱۳-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). حساسیت اوراق هویتی و ارتباط آن با نظام اجباری به گونه‌ای بود که یک فرد نظامی دیگر یعنی «سرتیپ محمدحسین میرزا» در بهمن ۱۳۰۶ جایگزین سرتیپ فرج‌الله‌خان در تشیلات سجل مملکتی شد تا در نقاط مختلف کشور امور سربازگیری را با نظارت بیشتری به پیش ببرد (روزنامه اطلاعات، ۷ بهمن ۱۳۰۶، شماره ۴۲۶، ص ۲).

با توجه به دو سند از ارکان حرب جنوب، این اداره برای پیگیری بیشتر قانون سربازگیری، امور سجل احوال را با حساسیت ویژه دنبال کرد و در این باره از اداره ایالتی و حکام شهرها خواستار اقدامات فوری در رفع نواقص ایالت پهناور فارس شد؛ زیرا پراکندگی جغرافیایی می‌توانست وقفه ایجاد کند. در ۱۰ خرداد اداره ایالتی به اداره نظام اجباری جنوب اعلام کرد پیرو درخواست وزارت داخله، اطلاعات مربوط به بلوکات و قصابات و قرآء تهیه شده و اداره سجل نیز گزارش درخواستی نایب بدرالدین درباره مناطق مختلف فارس را آماده استنساخ کرده است (ساکما، ۲۱-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). ارکان حرب به اداره ایالتی دستور داد به منظور برنامه‌ریزی برای اعزام مأموران سربازگیری و تسریع در این کار، صورت جامعی از حکومت‌نشین‌های جزء با تعیین مسافت جغرافیایی را که در ابواب جمعی ایالت فارس باشند، به اداره نظام اجباری ارسال کند (ساکما، ۲۴-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳).

در خرداد ۱۳۰۷ اداره نظام اجباری خواهان تشکیل کمیسیون نظام اجباری شد. حکومت آبان اعلام کرد با تمام وجود کمیسیون مزبور را تشکیل خواهد داد؛ هرچند که هنوز دستور نحوه تشکیل آن نرسیده است (ساکما، ۳۰-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). وزارت جنگ برای آشنایی بهتر حکام و امرای ایالتی با مقررات سربازگیری، اقدام به ارسال و انتشار مجدد آن مقررات کرد (ساکما، ۴۷-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳). این نکته را باید متذکر شد که از ۲۴ خرداد ۱۳۰۷ طی یک اعلان رسمی از سوی اداره نظام وظیفه، نام نظام اجباری طبق فرمان رضاشاه به نظام وظیفه تغییر

یافت؛ زیرا عموم مردم نسبت به این نام نظر مساعدتری دارند (ساکما، ۴۴-۴۶۰۵۵-۲۹۳). اداره ایالتی ضمن اعلام آمادگی، احتمال داد هنگام مجلس سربازگیری آشوب ایجاد شود؛ به همین دلیل از کفیل نظام وظیفه تعیین تکلیف کرد (ساکما، ۴۶-۴۶۰۵۵-۲۹۳). بدرالدین رشیدی طی نامه ۲۱ تیر نکاتی بیان کرد که گویای پافشاری حکومت پهلوی در انجام سربازگیری بوده و اینکه هیچ‌گونه اما و آگری نباید سد راه انجام مقررات مربوطه شود (ساکما، ۵۰-۴۶۰۵۵-۲۹۳). ذکر این نکته ضروری است که با پیگیری وزارت جنگ، بازنگری و تصحیح قانون سجل احوال در مرداد ۱۳۰۷ به پایان رسید و قانون جدید در ۱۶ ماده تصویب شد؛ از جمله ماده هشتم مربوط به رسیدگی به اعتراض و اظهارنامه‌های افراد برای اصلاح اوراق هویتی تا قبل از فروردین ۱۳۰۷ بود (ساکما، ۶۶-۴۶۰۵۵-۲۹۳). ماده یازدهم نیز درباره لزوم برخورد قانونی با مأموران متخلف سجل احوال به علت جعل و مشارکت در این زمینه بود (ساکما، ۶۷-۴۶۰۵۵-۲۹۳).

۳-۴. تداوم ناهماهنگی دواير و تمایل برخی به مشمول نشدن

با توجه به اسناد موجود، مجلس سربازگیری در ایالت فارس در مهر ۱۳۰۷ دارای نواقصی به‌ویژه درباره اوراق هویتی بود. تعامل میان دواير مختلف برای سربازگیری در ایالت، همچنان نوسان داشت. در آذر این سال والی فارس «ابوالحسن پیرنیا» با وزارت داخله مکاتبه کرد که به دلیل نابسامانی بی‌رویه در امور سجل احوال، در کمیسیون تجدید نظر شرکت نمی‌کند و به جای وی نماینده ثبت اسناد حاضر می‌شود (ساکما، ۱۰۸-۱۰۴۸۷۵-۲۹۳)، اما سمیعی وزیر داخله تقاضای والی را رد کرد و خواهان شرکت او در کمیسیون شد (ساکما، ۱۰۵-۱۰۴۸۷۵-۲۹۳). در پاییز و زمستان ۱۳۰۷ یکی از موضوعات مهم درباره نظام وظیفه، اصلاح و تجدید نظر در اوراق هویتی افراد طبق ماده ۸ قانون سجل احوال بود. رونوشت دستور سرتیپ محمدحسین میرزا ضرورت برقراری کمیسیون رسیدگی به اعتراضات را نشان می‌دهد. برای تغییر در اوراق هویتی، صرف شهادت شهود ممنوع شد (ساکما، ۱۱۷-۱۰۴۸۷۵-۲۹۳). با توجه به سند ۱۱ دی ۱۳۰۷ ارتباط و هماهنگی کامل میان دواير فارس انجام نشد؛ زیرا وزیر داخله به اداره ایالتی اعلام کرد تاکنون برای پاسخ‌گویی به اعتراض افرادی که خواهان اصلاح سجل می‌باشند، اقدامی صورت نگرفته و به همین دلیل خواهان برقراری کمیسیون شد (ساکما، ۱۰۰-۱۰۴۸۷۵-۲۹۳). در سند بعدی برای خنثی کردن ترفندهای افراد برای مشمول نشدن و وادار کردن مردم به دریافت اوراق هویت حقیقی، راهکارهایی پیشنهاد شده است:

«مانند نمره‌گذاری خانه‌ها، مطالبه ورقه هویت صاحبان حمام‌ها از مردم و مأموران نظمیّه از

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۹۳

اهالی شهر. همان گزارش در تحلیل این سه راهکار بیان داشت مورد اول خوب است اما اکنون فقط در شهرها می‌توان نمره‌گذاری خانه انجام داد بیرون از شهرها کمی مشکل است. مورد دوم سخت است چون به ضرر صاحبان حمامهاست. ایراد راهکار سوم: وقت مأموران نظمی به صرفاً به بازرسی ورقه هویت افراد خواهد گذشت مردم نیز دچار زحمت می‌شوند» (ساکما، ۴۲-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳).

اسناد نشان می‌دهد میان والی فارس و رئیس اداره سجد بر سر صدور اوراق هویت، به‌ویژه درباره نظام وظیفه اختلاف شدیدی در سال ۱۳۰۷ وجود داشت. والی فارس رئیس سجد احوال را به سهل‌انگاری و بی‌توجهی به امور اداری خویش متهم کرد؛ از جمله آنکه اوراق هویت اضافی برای افرادی صادر کرده که وجود خارجی نداشتند؛ مأموران سجد نیز از مردم رشوه دریافت کردند (ساکما، ۱۵۴-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). والی سپس تذکر داد بهتر است دقت و مراقبت بیشتری شود تا مردم و دولت در مجلس سربازگیری دچار زحمت و اتلاف وقت نشوند. در غیر این صورت مراتب به اطلاع مرکز خواهد رسید (ساکما، ۱۵۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). از فحوای این سند می‌توان استنباط کرد که عده‌ای برای طفره رفتن از سربازی، آسان‌ترین راه را نزدیک شدن به مأموران سجد احوال می‌دانستند. با توجه به اسناد عرایض مجلس، برخی دیگر با توسل به شیوه‌هایی چون عیال‌واری و بیماری والدین به دنبال معافیت بودند. سندی در این باره متعلق به پدری است که سعی داشت با مطرح کردن مخارج سه تن از فرزندان پسرش و نیز ناشنوا بودن خودش، بر کفالت پسر تأکید کند. جالب آنکه در ادامه افزوده است در صورت معاف نشدن، پسرش تهدید به «خودکشی» کرده است (کمام، ۳۸-۲۳-۱۳۱-۷). مجلس شورای ملی در جواب، موضوع را به وزارت جنگ ارجاع داد و هیچ‌گونه سفارش یا مطلبی دال بر مساعدت ذکر نکرد (کمام، همان).

با توجه به حساسیت نسبت به ماده ۸ قانون سجد احوال که بهانه برای مشمول شدن را برطرف می‌کرد، از سوی اداره ایالتی اعلان رسمی صادر شد که عموم اهالی شیراز، قصرالدشت و مسجد بردی از ۲۰ دی، روزهای یکشنبه و چهارشنبه از ساعت دو تا یک ساعت مانده به غروب، در اداره سجد احوال حاضر شوند و شکایت خود را به صورت کتبی تقدیم کنند (ساکما، ۱۴۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). برای نمونه، شخصی به نام میرزا خلیل عریضه ارائه کرد مبنی بر اینکه سن واقعی او ۲۶ سال است، اما اداره سجد ورقه هویت او را به گونه‌ای صادر کرد که ۲۲ سال دارد و مشمول است. او مدارک مربوطه را به کمسیون ارائه کرد و خواستار تصحیح سجد شد (ساکما، ۱۳۲-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). حجم اعتراضات زیاد و نشان دهنده خواست مردم برای مشمول نشدن بود. در سند ۲۶ اسفند آمده است «امروز بنا بر معمول» کمسیون نظام وظیفه

در این باره تشکیل شد؛ یعنی روزهای متوالی صرف بررسی سبج افرادی شد که در پی امتناع از سرباز شدن بودند (ساکما، ۹۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳).

۳-۵. تدابیر دولت مرکزی برای مقابله با تخلف مأموران قانون نظام اجباری و رشد بودجه

این بخش

مسئولان نظام اجباری در پی مقابله با قانون‌شکنی عوامل زیرمجموعه خود بودند؛ بدین منظور در مرداد ۱۳۰۸ دو تن از مأموران به نام صادق ارشادی نایب اول و سرجوقه حیدری برای تطبیق اوراق اظهارنامه سبج احوال با دفاتر سبج تعیین شدند (ساکما، ۸۶-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). برخورد شدید با قصور مأموران سبج هم مد نظر دولت بود. این مطلب در محتوای بخشنامه رسمی وزارت داخله به ایالت فارس مشهود است. در ۲۹ مرداد متحدالمال نمره ۴۳۲۷ اعلام شد از این تاریخ به بعد طبق دستور رضاشاه رسیدگی به شکایت سوء رفتار مأموران سبج احوال، مربوط به «محاکم عادی» نمی‌شود، بلکه «به محکمه نظامی صحرائی احاله و تکلیف مقصرین در محکمه مزبور معین می‌شود» (ساکما، ۱۳-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). می‌توان چنین تحلیل کرد که برای رضاشاه نیز امور سبج احوال و اوراق هویت هم‌ردیف با نظام وظیفه بود؛ زیرا تخلف در این حوزه به دادگاه نظامی ارجاع می‌شد.

کمبود بودجه برای امور سبج و احصائیه هم مزید بر علت بود. «کاظم مدبر» رئیس سبج احوال ناحیه پنجم (جنوب) به فرمانده لشکر جنوب گفت مأموران سبج نسبت به حقوق پایین خود که بین ۲۰ الی ۲۵ تومان است، شکایت دارند و چه بسا برخی از آنان کار خود را ترک کنند (ساکما، ۸۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). دولت برای این منظور از اواخر سال ۱۳۰۷ بودجه را افزایش داد. در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ بودجه سالیانه سبج احوال به ۴۰۶۱۲۰ قران رسید که نسبت به قبل رشد بالایی داشت. همچنین برای نظام وظیفه در سال ۱۳۰۹ مبلغ ۳۰۰۰۰۰ قران در نظر گرفته شد (روزنامه اطلاعات، ۲۶ اسفند ۱۳۰۸: شماره ۹۹۷، ص ۳).

۳-۶. توسعه سبج احوال ایالت برای اجرای قانون سربازگیری

تحلیل اسناد نشان می‌دهد که اداره نظام اجباری به تعامل بهتر و بیشتر با دیگر دوایر مانند بلدییه و احصائیه دست یافت. در نتیجه، روند آگاهی‌بخشی به مشمولان بیشتر شد. ناحیه ۵ سبج کشور به اداره ایالتی اعلام کرد امور احصائیه و نصب نمره‌خانه‌ها و توزیع ورقه نفوس در تمام ولایات از جمله شیراز «نهایت لزوم را دارد» (ساکما، ۶۹-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). باید در نظر داشت که طبق فصل دوم تصویب‌نامه قانون احصائیه، تعیین عدده نفوس مملکت با ملاحظات طبقاتی و تعداد خانواده‌ها و تعیین نفوس ایلات، امری لازم‌الاجرا بود

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۹۵

(مجهول المؤلف، ۱۳۱۳: ۱۴-۱۵). اداره سجد طی نامه‌ای به نظام وظیفه اطلاع داد مأموران سجد و افراد نظامی که برای امور اوراق هویتی داراب و نیریز به محل اعزام شده بودند، با موفقیت وظایف خود را انجام دادند. در ادامه اعلام داشت با توجه به اینکه اصطهبانات و نیریز در ۳۲ و ۳۷ فرسنگی شیراز واقع شده بودند و بالغ بر پنجاه هزار نفر جمعیت داشتند و کار سجد و احصائیه آنها انجام نشده بود و اهالی برای ورود و خروج از شهر نیازمند ورقه هویت بودند، اداره سجد اعزام مأمور برای این امور را خواستار شد (ساکما، ۱۲۳-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). این اداره افزود برای جلوگیری از فرار مضمولان دستور داده شود مأموران سجد پس از دیدن جوانان و تشخیص سن حقیقی آنان، سجد صادر کنند. همچنین گاهی جوانان افراد دیگری به جای خود معرفی می‌کنند، پس باید معتمد هر محل همراه مأمور سجد باشد تا امکان تقلب کم شود. دیگر مشکلات عبارت از عدم انطباق برخی اوراق صادره پیش از سال ۱۳۰۸ با تقویم معمول، پیشرفت کند قانون سجد احوال در بعضی ولایات به‌ویژه در آباءه و همچنین عدم تهیه دفاتر سجد ولایتی از سوی اداره احصائیه بود (ساکما، ۲۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). کاظم مدیر به امیرلشکر جنوب گفت به سبب عدم تشکیل شعبه دوم احصائیه و عدم ارسال دفاتر مربوطه، در حال حاضر فقط کدخدایان وقایع حادثه را یادداشت می‌کنند و بعد در دفاتر مربوطه ثبت می‌شوند (ساکما، ۲۷-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). البته فرایند نظارت از سوی مقامات مسئول به مرور بیشتر و جدی‌تر شد و مشکل دفاتر احصائیه حل گردید. با استناد به گزارش اداره سجد احوال برای اداره نظام وظیفه، صدور اوراق هویت و تعیین مضمولان در اوایل سال ۱۳۰۸ بهبود مناسب داشت.

صورت عملکرد دفاتر احصاء ولایات از تاریخ تأسیس دفاتر تا آخر اردیبهشت ۱۳۰۸

اسامی ولایت	اوراق صادره قبل از ۱۳۰۷	مشمول اوراق صادره قبل از ۱۳۰۷	اوراق صادره در یک سال (۱۳۰۷)	مشمول اوراق صادره در یک سال (۱۳۰۷)	اوراق صادره در دو ماه اول سال ۱۳۰۸	مشمول اوراق صادره در دو ماه اول سال ۱۳۰۸
شیراز	۲۷۱۸۲	۸۷۶	۶۵۹۴۶	۳۴۲۸	۵۷۰۶	۷۵
آباءه	_____	_____	۲۸۹۵۸	۱۲۲۳	۴۱۶۹	۸۹
جمع	۲۱۸۷۲	۸۷۶	۹۴۹۰۴	۴۶۵۱	۹۸۷۵	۱۶۴

(ساکما، ۱۲۲-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳)

درباره عزم حکومت برای اجرای این قانون، باید گفت اشاعه قدرت دولت مرکزی در ایالت اهمیت ویژه‌ای داشت؛ مصداق‌هایی در این زمینه وجود دارد. در سال ۱۳۰۸ در منطقه لار و گراش به شرارت زادخان پایان داده شد؛ اسلحه و ادوات جنگی آنان به تصرف نیروهای دولتی درآمد و کاملاً خلع سلاح شدند. روزنامه حبل‌المتین از این واقعه به عنوان پایان ملوک‌الطوایفی یاد کرد (روزنامه حبل‌المتین، ۱۰ بهمن ۱۳۰۸: شماره ۷، ص ۲۲). یا پایان بخشیدن به گردن‌کشی افرادی چون شیخ ابوالحسن خان سرکوهی و برادرش شیخ جواد (روزنامه استخر، ۱۵ مهر ۱۳۰۸: شماره ۶۶۰، ص ۳). همچنین مقابله با قدرت صولت‌الدوله قشقایی که بلوشر پس از گفت‌وگو با مقامات ایرانی، از آن با عنوان براندازی فتووالیسم نام برده است (بلوشر، ۱۳۶۳: ۲۸۱).

۳-۷. پیشرفت نسبی قانون نظام وظیفه از اواسط سال ۱۳۰۸

بر پایه سندی که در ادامه ارائه شده است، می‌توان گفت در نیمه سال ۱۳۰۸ تشکیلات سرجل توسعه بیشتری یافت. در آخر شهریور ۱۳۰۸ اداره سرجل ناحیه ۵ جنوب برای رفع نواقص نظام وظیفه در فارس، خواستار ازدیاد دفتر سرجل احوال شد. نخست اصطهبانات و نیریز؛ دوم کازرون و بلوکات آن؛ سوم فسا و نواحی مجاور آن. هر دفتر هم می‌بایست پنج نفر عضو و یک رئیس دفتر داشته باشد (ساکما، ۲۸-۴۴۸۷۵-۰۴۹۳). شورش ایل قشقایی در سال ۱۳۰۸ برای اجرای نظام وظیفه هم مشکل‌آفرین شد. این آشوب در پی ناآرامی‌های ایلات بویراحمد و نبرد «دورگ مدو» صورت گرفت؛ سپس حبیب‌الله شیبانی برای مهار شورش وارد فارس شد (بیات، ۱۳۶۵: ۶۴-۴۸). سران ایل قشقایی با کنسولگری انگلیس در شیراز در ارتباط بودند و از این طریق درخواست‌های خود را به اطلاع مقامات رساندند؛ از جمله عدم اجرای قانون سربازگیری در ایل و پایان کار سرجل احوال، توقف خلع سلاح ایل و غیره (زرگر، ۱۳۷۲: ۲۳۷)، اما دولت مرکزی برای اجرای قانون مسامحه نشان نداد. اساساً رضاشاه مخالف اقتدار و لجام‌گسیختگی عشایر بود و عشایر را نوعی روند معکوس تاریخ می‌دانست؛ سبک زندگی آنان وی را آشفته می‌کرد (غنی، ۱۳۷۷: ۳۵۴). مدبر اظهار داشت نظر به شورش عشایر قشقایی فارس، در بلوکات یوانات و قنقری مأموران سرجل احوال دچار مخمصه شدند و هنگام کار اداری با تهاجم اشراش مواجه گردیدند. چون تهدید اشراش جدی بود، خود را تحت‌الحمايه خوانین محلی قرار دادند و مجبور شدند مستدعیات خوانین را که بخشی مربوط به سن سربازی اطرافیان خوانین بود، اجابت کنند. اوراق جعلی برای جوانان صادر شد تا سن آنها را از شمول سربازی خارج کنند. بنابراین آن تعداد سرجل به زور صادر شد و اعتبار قانونی

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۹۷

نداشت و ضروری بود با «مساعدت اجباری» کدخدایان محلی، دوباره تمام دهات آن حوالی خانه شماری شوند و افراد مشمول که سجل تقلبی گرفتند، مشخص شوند (ساکما، ۲۹-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). به هر روی، آشوب‌ها سد راه اجرای قانون نظام وظیفه نشد؛ چنان‌که اسناد پاییز ۱۳۰۸ این نکته را ثابت می‌کند.

جریان صدور اوراق هویتی و احصائیة قریه‌های بوانات و قنقری که به دلیل اغتشاشات ایل قشقایی دچار اختلال شده بود، توسط دوایر اداری و نظمی به روال عادی برگشت. اداره سجل از اداره ایالتی خواستار اعزام تعدادی مأمور نظمی و امنیه شد تا امور را سامان دهند (ساکما، ۷۷-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). در ۶ مهر اداره سجل احوال مراتب قدردانی خود را از فرمانده کل قوای جنوب به سبب همکاری خوب مأموران نظمی با اداره سجل بیان کرد (ساکما، ۷۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). با توجه به اینکه اواسط مهر هر سال کمیسیون سربازگیری در کل کشور تشکیل می‌شد، در فارس نیز این کمیسیون طبق قانون و با وجود شورش ایل قشقایی برگزار شد. همچنین از ۲۲ مهر مجلس رسیدگی به اعتراضات مشمولان برقرار شد تا ابهامات را رفع کند (ساکما، ۶۱-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). جریان تهیه صورت مشمولان نواحی فارس در آبان ۱۳۰۸ با جدیت پیگیری شد. تا اواخر آن ماه طی همکاری دوایر مختلف در نیریز حدود ۱۳۳۰۰ ورقه هویت صادر و در روستاهای آن هم حدود پانصد ورقه داده شد. سپس مأموران به خیر و اصطهبانات رفتند. در این دو نقطه حدود ۱۵۰۰ نفر سرشماری شدند. ۱۴۲۰ ورقه هویت صادر شد که حدود ۵۸۲ نفر از آنان مشمول نظام وظیفه بودند (ساکما، ۵۸-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳).

برای جلوگیری از صدور اوراق هویت جعلی، طبق قوانین مرداد ۱۳۰۷ مجازات خاطیان مصوب شده بود. اوایل بهمن ۱۳۰۸ صورت جرایم اعضای دفتر سجل ولایتی شیراز طبق جدول زیر منتشر شد:

صورت جرایم برخی اعضای دفتر سجل ولایتی شیراز

ردیف	تاریخ جرم		نام و نام خانواده	شغل	میزان حقوق ماهیانه		علت جرم	مبلغ جریمه	
	روز	ماه			دینار	قران		دینار	قران
۱	۱۶	اسفند ۱۳۰۷	سلطان ابراهیم خواجه نوری	مأمور احصاء	—	۱۵۰	کمی صدور ورقه در نیمه اول اسفند	—	۷۵
۲	"	"	"	"	—	"	ترک محل مأموریت بدون تحصیل اجازه	—	۱۵
۳	"	"	میرزا ابراهیم خان یزدان پناه نوری	"	—	۲۴۰	"	—	۲۴
۴	"	"	بزرگ خان وصالی	"	—	۲۰۰	"	—	۲۱
۵	"	"	حیدرخان حضرتی	"	—	۱۵۰	"	—	۱۵
۶	۷	مرداد ۱۳۰۸	میرزا ابراهیم خان یزدان پناه نوری	"	—	۲۴۰	نداشتن اظهارنامه و امضای اظهار کننده و شهود	—	۲۴
۷	"	"	بزرگ خان وصالی	"	—	۲۰۰	"	۴۰۰	۱۲

(ساکما، ۳۱-۳۰۴۴۸۷۵-۲۹۳)

۳-۸. تداوم گریز برخی افراد از مشمول شدن

تحلیل اسناد بیانگر این نکته است که برخی مردم در اواخر سال ۱۳۰۸ با ارائه دلایل نزدیک به قانون، یا به عبارت بهتر دلایل قانون‌پسند در پی چاره‌ای برای مشمول نشدن بودند. ذهنیت قانون‌گریز مردم نمی‌توانست با مفاد این قانون تطبیق پیدا کند. نویسنده عریضه‌ای از منطقه «لب آب» شیراز برای مجلس گفت پسرش ۲۸ ساله است و مأموران سجل تاریخ تولد او را اشتباه قید کرده‌اند؛ بنابراین اگر مشمول شود، فرزندان وی و افراد تحت تکفلش «گرسنه و بیجان میمانند» (کمام، ۱۴۴-۳-۲۳-۱۳۳-۷). او برای اثبات ادعای خود عریضه‌ای که استشهاد

محلی بود، تقدیم مجلس کرد. در این استشهادیه اسامی افراد تحت تکفل و نسبت آنها با فرد مشمول و اینکه پدر او ۶۵ ساله است، مورد گواهی قرار گرفت. در این مورد هم مجلس عریضه را برای تصمیم‌گیری، بدون توصیه به منظور مماشات با فرد متقاضی، به وزارت جنگ محول کرد (کمام، همان). برخی درخواست‌ها نشان می‌دهد که تعدادی از مشمولان خود را قیم طفل صغیر نشان می‌دادند تا برگ معافیت را به دست آورند؛ چنان‌که در برخی موارد برادر آن شخص نیز خود را قیم همان طفل معرفی کرده بود. اداره عدلیه فارس اعلام کرده بود این قبیل موارد نمی‌تواند برای فرار از سربازی و گرفتن معافیت کفایت کند (ساکما، ۴۹-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). مورد دیگری شخصی به نام مهدی ولد صادق دارای ورقه هویت ۲۵۰۷۹ و برادر او محمد با ورقه هویت ۲۵۰۹۷ بودند. مهدی متولد ۱۲۸۴ و مشمول بود؛ برادرش محمد که متولد ۱۲۸۰ بود، در مجلس سربازگیری حاضر شد و با ارائه ورقه هویت برادر کوچکتر، خود را به جای وی معرفی کرد و برگ معافیت گرفت. اداره نظام وظیفه و سجل احوال متوجه این تقلب شدند و مأموران نظمی اقدام به دستگیری برادر بزرگ‌تر کردند (ساکما، ۲۳-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). عریضه‌ای خطاب به مجلس موجود است که فردی با استناد به مواد ۴ و ۷ نظام وظیفه و شهادت اشخاص معتبر و لزوم تأمین معاش خانواده، مشمول شدن خود را یک «ظلم» برشمرد و از مجلس خواهان تحقق عدالت شد؛ هرچند در پایان گفت اگر معاف نشود، «با کمال افتخار» آماده جانفشانی است (کمام، ۱۱۱-۳-۲۳-۱۳۳-۷). این قبیل موارد نشان از بی‌رغبتی مردم به قانون خدمت سربازی دارد. گزارشی از نیمه دوم سال ۱۳۰۸ نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلیل امتناع و فرار مردم از عدم دریافت اوراق هویت، بحث سربازی بوده و در نتیجه اداره نظام وظیفه خواهان افزایش مأموران سجل برای دقت و نظارت بیشتر شد (ساکما، ۴۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). مقامات بدون توجه به خواست چنین اشخاصی، از دیگر ایالات هم برای بهبود شرایط سربازگیری در فارس استفاده می‌کردند.

اداره سجل احوال ناحیه پنج طی مراسله‌ای برای فرمانده کل قوای جنوب پیشنهاد کرد شرایط حضور سی نفر از مأموران سجل اصفهان که به دلیل شرایط جوی آن منطقه بیکارند، در دفاتر شیراز، نیریز، اصطهبانات، داراب و فسا فراهم شود (ساکما، ۶-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). در اسفند ۱۳۰۸ به منظور تهیه و تکمیل صورت مشمولان و صدور اوراق هویتی شیراز، طی هماهنگی دوایر اداری و نظامی، نصب کاشی روی در خانه‌ها و خانه‌شماری آغاز شد تا آن عده از اشخاصی که اوراق هویت نداشتند، شناسایی شوند (ساکما، ۱۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). تا اواخر سال ۱۳۰۸ بیش از ۳۲۱۵۳۴ ورقه هویت در ایالت فارس صادر شد (ساکما، ۴۱-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳). بنابراین هماهنگی دوایر برای رفع نواقص ارتقا یافت.

نتیجه‌گیری

حکومت پهلوی اول به منظور تمرکزگرایی و مقابله با نیروهای گریز از مرکز، تأکید ویژه‌ای بر اجرای قانون نظام اجباری داشت. این قانون در اواسط سال ۱۳۰۵ با وجود موانع تشکیلاتی، اداری و اجتماعی در ایالت فارس به اجرا درآمد. ابتدا از جنبه کمی و کیفی، این روند نارسایی‌های عمده‌ای داشت. شناسایی تعداد نفرات مشمول بسیار سخت بود و به لحاظ اجتماعی استقبال مناسبی از این پدیده نوظهور صورت نگرفت. تحلیل اسناد نشان می‌دهد که کیفیت این فرایند نیز به دلیل فقدان تشکیلاتی چون سجل احوال و عدم تعامل شایسته میان دوایر حکومتی، رضایت‌بخش نبود، اما پهلوی اول با استدلال به قانونی بودن نظام اجباری و هدف‌گذاری خویش برای دستیابی به ارتش نوین، درصدد برداشتن موانع بود. تشکیلات مرتبط نظیر سجل احوال، بودجه اداره نظام، آموزش مأموران مربوطه، مقابله با مأموران متخلف و هماهنگی اداری میان دوایر افزایش یافت. طبق اسناد مربوطه، در اواخر سال ۱۳۰۸ اجرای قانون مذکور به لحاظ کمی و کیفی سیر صعودی پیدا کرد. با این حال، ذهنیت قانون‌گریز عده‌ای از مردم همچنان به قوت خود باقی ماند. می‌توان گفت مردم تا حدی به شیوه قدیم سربازگیری، یعنی بنیچه که ریشه در مالیات روستاییان داشت، خو گرفته بودند و این شیوه جدید را پدیده‌ای غیرقابل درک می‌دانستند، اما پهلوی اول با وجود این ذهنیت در جامعه، دستیابی به ارتش جدید و کنار گذاشتن روش‌های قدیمی سربازگیری مانند بنیچه را با جدیت دنبال کرد. این پدیده در مناسبات دولت-ملت و روابط اجتماعی مردم اثراتی بر جای گذاشت، اما نمی‌توان آن را در امتداد غرب‌گرایی یا مفاهیمی چون شبه‌مدرنیسم دوره پهلوی تفسیر کرد، بلکه این فرایند به مثابه «امر ضروری» برای کشور قلمداد می‌شد.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۱)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز، چاپ شانزدهم.
- بلوشر، ویرت فون (۱۳۶۳)، *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاوس جهاننداری: تهران: خوارزمی.
- بیات، کاوه (۱۳۶۵)، *شورش عشایری فارس*، تهران: نقره.
- ذکاء، یحیی (۱۳۵۰)، *تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- زرگر، علی‌اصغر (۱۳۷۲)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در زمان رضاشاه*، ترجمه کاوه بیات، تهران: معین.
- صفایی، ابراهیم (۲۵۳۵)، *بنیادهای ملی در شهریار رضاشاه کبیر*، تهران: فرهنگ و هنر.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۱۰۱

غنی، سیروس (۱۳۷۷)، برآمدن رضاخان و برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.

قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۲۶)، تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران، تهران: علمی.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۱)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، چاپ هجدهم.

کرونین، استفانی (۱۳۷۷)، رضاشاه و ارتش نوین، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: خجسته.

مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، تاریخ زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳، تهران: زوار، چاپ سوم.

مجهول المؤلف (۱۳۱۳)، دستور احصاء، تهران: مؤسسه احصائیه و سجل احوال مملکتی.

هدایت، مهدیقلی خان (مخبر السلطنه) (۱۳۸۵)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار، چاپ ششم.

یکرنگیان، میرحسین (۱۳۸۴)، سیری در تاریخ ارتش ایران، تهران: خجسته، چاپ دوم.

ب. اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۴-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۵-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۸-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۹-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۹۴-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۹۳-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۹۷-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۷۰-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۷-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۶۶-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۶۷-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۶۴-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۵۹-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۳۹-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۱۳-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۲۱-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۲۴-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

_____ سند شماره ۳۰-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.

۱۰۲ / موانع و برنامه‌های حکومت پهلوی اول برای اجرای نظام اجباری در ... / محمدعلی رنجبر و ...

- _____ سند شماره ۴۷-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۴۴-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۴۶-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۵۰-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۶۶-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۶۷-۰۴۶۰۵۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۰۸-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۰۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۱۷-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۰۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۴۲-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۵۴-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۵۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۴۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۳۲-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۹۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۸۶-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۳-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۸۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۶۹-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۲۳-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۲۵-۰۹۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۲۷-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۲۲-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۲۸-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۲۹-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۷۷-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۷۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۶۱-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۵۸-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۳۱-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۴۹-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۲۳-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۱۰۳

- _____ سند شماره ۴۰-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۶-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۱۵-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- _____ سند شماره ۴۱-۰۴۴۸۷۵-۲۹۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) [اصفهان]، سند شماره ۲-۰۰۸۷۳۶-۲۱۰.
- _____ سند شماره ۲-۰۰۸۵۱۴-۲۹۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) [فارس]، سند شماره ۳۲-۰۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹.
- _____ سند شماره ۹-۰۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹.
- _____ سند شماره ۳-۰۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹.
- _____ سند شماره ۷-۰۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹.
- _____ سند شماره ۱۲-۰۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹.
- _____ سند شماره ۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۰۳۰۴۳-۲۹۳-۹۹.
- کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی (کمام)، سند شماره ۳۸-۱-۲۳-۱۳۱-۷.
- _____ سند شماره ۱۱۱-۳-۲۳-۱۳۳-۷.
- _____ سند شماره ۱۴۴-۳-۲۳-۱۳۳-۷.

ج. روزنامه و مجلات

- روزنامه استخر (۱۱ حمل ۱۳۰۵)، شماره ۲، ص ۴.
- _____ (۲۱ دی ۱۳۰۵)، شماره ۳۶، ص ۳.
- _____ (۲۶ مهر ۱۳۰۶)، شماره ۲۷، ص ۱.
- _____ (۱۵ مهر ۱۳۰۸)، سال دوازدهم، شماره ۶۶۰، ص ۳.
- روزنامه اطلاعات (۶ آبان ۱۳۰۸)، شماره ۸۹۶، ص ۲.
- _____ (۱۱ خرداد ۱۳۰۸)، شماره ۷۷۸، ص ۳.
- _____ (۲۶ آذر ۱۳۰۶)، شماره ۳۸۳، ص ۳.
- _____ (۱۹ مهر ۱۳۰۶)، شماره ۳۳۰، ص ۱.
- _____ (۷ بهمن ۱۳۰۶)، شماره ۴۲۶، ص ۲.
- _____ (۲۶ اسفند ۱۳۰۸)، سال چهارم، شماره ۹۹۷، ص ۳.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۰ بهمن ۱۳۰۸)، شماره ۷، ص ۲۲.
- مجله قشون (۱۳۰۶)، سال ششم، شماره ۶، ص ۱۹۸.
- _____ (۱۳۰۳)، شماره ۴، ص ۱۵۳.
- _____ (۱۵ ثور ۱۳۰۳)، شماره ۴، ص ۱۷۸.
- _____ (بهمن ۱۳۰۴)، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۷۰۲.
- _____ (بهمن ۱۳۰۶)، شماره ۳۰، صص ۷۲۹-۷۳۰.

List of sources with English handwriting

Documents and publications

Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Iran (National Archives and Library of Iran
(Sākmā),

Sākmā, Document No 293-046055-4
Sākmā, Document No. 293-046055-17
Sākmā, Document No. 293-046055-5
Sākmā, Document No. 293-046055-8
Sākmā, Document No. 293-046055-9
Sākmā, Document No. 293-046055-94
Sākmā, Document No. 293-046055-93
Sākmā, Document No. 293-046055-97
Sākmā, Document No. 293-046055-70
Sākmā, Document No. 293-046055-7
Sākmā, Document No. 293-046055-66
Sākmā, Document No. 293-046055-67
Sākmā, Document No. 293-046055-64
Sākmā, Document No. 293-046055-59
Sākmā, Document No. 293-046055-39
Sākmā, Document No. 293-046055-13
Sākmā, Document No. 293-046055-21
Sākmā, Document No. 293-046055-24
Sākmā, Document No. 293-046055-30
Sākmā, Document No. 293 -046055-47
Sākmā, Document No. 293-046055-44
Sākmā, Document No. 293-046055-46
Sākmā, Document No. 293-046055-50
Sākmā, Document No. 293-046055-66
Sākmā, Document No. 293-046055-67
Sākmā, Document No. 293-044875-108
Sākmā, Document No. 293-044875-105
Sākmā, Document No. 293-044875-117
Sākmā, Document No. 293-044875-100
Sākmā, Document No. 293-044875-42
Sākmā, Document No. 293-044875-154
Sākmā, Document No. 293-044875-155
Sākmā, Document No. 293-044875-140
Sākmā, Document No. 293-044875-132
Sākmā, Document No. 293-044875-95
Sākmā, Document No. 293-044875-86
Sākmā, Document No. 293-044875-13
Sākmā, Document No. 293-044875-80
Sākmā, Document No. 293-044875-69
Sākmā, Document No. 293-044875123
Sākmā, Document No. 293-044875-25
Sākmā, Document No. 293-044875-27
Sākmā, Document No. 293-044875-122
Sākmā, Document No. 293-044875-28
Sākmā, Document No. 293-044875-29
Sākmā, Document No. 293-044875-77
Sākmā, Document No. 293-044875-70
Sākmā, Document No. 293-044875-61
Sākmā, Document No. 293- 044875- 31

Sākmā, Document No. 293-044875-49
Sākmā, Document No. 293-044875-23
Sākmā, Document No. 293-044875-40
Sākmā, Document No. 293-044875-6
Sākmā, Document No. 293-044875-15
Sākmā, Document No. 293- 044875-41
Sākmā Isfahān Document No. 210-008736-2
Sākmā Isfahān Document No. 290-008514-2
Sākmā Fārs, Document No. 99-293-003043-32
Sākmā Fārs, Document No. 99-293-003043-9
Sākmā Fārs, Document No. 99-293-003043-3
Sākmā Fārs, Document No. 99-293-003043-7
Sākmā Fārs, Document No. 99-293-003043-12
Sākmā Fārs, Document No. 99-293-003043-36-37-38-39
Ketābkhāne Mūze va Markaz-e Asnād-e Maḵles-e Šūrā-ye Mellī (Library of the Museum and Documentation Center of the National Assembly (Kamām):
Kamām, Document 111-3-23-133-7
Kamām, Document 144-3-23-133-7
Kamām, Document 38-1-23-131-7

Journals:

Estakr (15 Mehr 1929/1308), twelfth year, p.3.
Estakr (21 Day, 1305), No. 36, p.3.
Estakr (26 Mehr 1306), No. 27, p.1
Estakr (11 Farvardīn 1305), No.2, p.4.
Eṭelā'āt (11 Kordād 1308), No. 788, 3
Eṭelā'āt (19 Mehr 1306), No.330, p.1
Eṭelā'āt (23 Āzar 1305), No.104, p.2
Eṭelā'āt (26 Āzar 1306), No.383, p.3
Eṭelā'āt (26 Esfand 1308), third year, p.3.
Eṭelā'āt (29 Day 1305), No.142, p.2
Eṭelā'āt (7 Bahman 1306), No.426, p.2.
Eṭelā'āt, (6 Ābān 1308), No.896, p.2
Ḥabl ol-Matīn (10 Bahman 1308), No.7, p.22.
Qošoūn (Bahman 1304), No.15, p.702.
Qošoūn (Bahman 1306), No. 30, pp. 730-729.
Qošoūn, (1303), No. 4, p.153.
Qošoūn, (1306, sixth year), No. 6, p.198.
Qošoūn, (15 Ordībehešt 1303), No. 4, p.178.

Books:

Abrahamian, Ervand (2012), *Iran between two revolutions*, Translated by Kāzem Fīrouzmand, Ḥassan Šamsāvarī, Moḥsen Modīršānčī: 16th edition, Tehrān: Markaz.
Anonymous author (1313), *Statistics Statement*, Tehrān: Publications of the Institute of Statistics and Civil Registry.
'Aqelī, Bāqer (2005), *Rezā Šāh and the Uniformed Army*, Fourth Edition, Tehrān, Namak.
Bayāt, Kāveh (1986), *Persian nomadic revolt*, Tehrān: silver.
Blucher, Wipert (1984) *Zeitenwende in Iran*, Translated by Keīkāvūs jahāndārī: Tehrān: Kārazmī.
Cottam, Richard w (1371), *Nationalism in Iran*, Translated by Aḥmad Tadayon, Tehrān: Kavār Kātozīyān, Moḥammad 'Alī Homāyoūn (1391), *Political Economy of Iran*, Translated by Moḥammad Rezā Nafīsī and Kāmbīz 'Azīzī, 18th edition, Tehrān: Markaz.
Cronin, Stephanie (1377), *Rezā Šāh and the New Army*, Translated by Gōlāmrezā 'Alī Bābā'ī, Tehrān: Kōjasteh.
Ġanī, Sīrūs, (1377), *The rise of Rezā Kān and the fall of Qājār and the role of the*

- British*, Translated by Hassan Kamšād, Tehrān: Nīlōūfar.
- Hedāyat, Mehdī Qolī Kān, (Moḵber-ol-Salṭaneh) (2006), *Kāṭerāt va Kaṭarāt*, sixth edition, Tehrān: Zavvār.
- Mostofī, ‘Abdollah(1371), *Šarh-e Zendegānī-ye Man*, Volume 3, Third Edition, Tehrān: Zavvār.
- Qā’em Maqāmī, jahāngīr, (1326), History of Political Developments in the Iranian System, Tehrān: Scientific.
- Safāei, Ebrāhīm (1976), Bonīyād-hāye Mellī Dar Šahrīyārīye Rezā Šāh-e Kabīr, Tehrān: Farhang va Honar.
- Yekrangīyān, Mīr Ḥosseīn (2005), *A Look at the History of the Iranian Army*, Second Edition, Tehran: Kōjasteh.
- zakā, Yaḥyā (1970), History of the Imperial Iranian Army from Cyrus to Pahlavi, Tehrān: Ministry of Culture and Arts.
- Zargar Alīāsḡar (1993) History of Iranian-British Political relations during the reign of Rezā Šāh, Translated Kāve Bayāt, Tehrān: Mo’īn



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

The plans and obstacles of the first Pahlavi government to implement compulsory military service in Fars state(1926-1929)¹

Mohammad Ali Ranjbar²
Bahman Shahryari³

Received: 2021/05/18
Accepted: 2021/10/19

Abstract

At the beginning of the implementation of compulsory military service, Fars state faced some drawbacks and a lack of coordination among civil and martial units. Such as the lack of details of the participants and the lack of unity of procedure between executive organs. On the other hand, in order to centralize and perform the modern army, Reza Shah emphasized the implementation of this law. Therefore, compulsory military service faced some conflicts.

This study is compiled based on a descriptive-analytic model and documentary-library resources. The main question of this article is about the challenges that Reza Shah government had to encounter in order to execute a mandatory system, and also about the solution to solve them, and finally the result of those approaches.

The results show that despite the lack of coordination among the different parts of the state and formational drawbacks in performing compulsive military service, no relinquishment or disappointment was seen in governmental sectors. To stop this profligacy and prevent pluralism, and confront the center of influence of the influential, dealing with evil and insecurity. Reza Shah used all martial and administrative capacities. Compulsive military service was one of those capacities.

The pertinacity of the authorities resulted in a gradual decrease in flaws and obstacles in Fars. As well as this, organizations such as state birth certificates also came into existence. Only socially speaking, some people created a challenge for the government offices as they did not accept the compulsive military service.

Keywords: Compulsory military service, Reza Shah, Fars state, Modern army, Birth certificate

1. DOI: 10.22051/HII.2021.36165.2476

2. Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Shiraz, Iran
ranjbar@shirazu.ac.ir

3. PhD student in post-Islamic Iranian history, Shiraz University, Shiraz, Iran
Bahman.history@yahoo.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN: 2538-3493